

■ سال بیست‌وششم ■ شمارهٔ ۷۴۳۹ ■ چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۹

<p>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۴۵ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵</p> <p>پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روایط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸</p> <p>مندوق پستی: ۵۳۳۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰</p> <p>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی</p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT</p> <p>تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</p> <p>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵</p> <p>http://irannewsaper.ir</p>	
<p>اذان ظهر ۱۳/۰۱ اذان مغرب ۱۹/۳۷ نیمه شب شرعی ۰۰/۱۹ اذان صبح فردا ۵/۱۸ طلوع آفتاب فردا ۶/۴۴</p>	
<p>رسول اکرم(ص): صله رحم، خوش اخلاقی و خوش همسایگی، شهرها را آباد و عمرها را زیاد می کند.</p>	
<p>سخن روز</p> <p>(نوح الفصاحه،ج۱۸۳)</p>	

		
---------------	--	---------------

نگاره	کمیته ملی المپیک: المپیک توکیو با کرونا یا بدون کرونا
فیروزه مظفری	برگزار خواهد شد.



#دلار

افزایش قیمت دلار در بازار آزاد سوژهٔ دیروز کاربران شبکه‌های اجتماعی بود. دیروز ظهر دلار به قیمت ۲۵۲۰۰ تومان رسید و خیلی‌ها پیش‌بینی کردند که بیشتر هم می‌شود. عکس‌ها و فیلم‌هایی از صف خرید دلار مقابل صرافی‌ها منتشر می‌شد و کاربران دلیل این گرانی را می‌پرسیدند: «هر چه رقم بالاتر می‌رود، صف‌های مقابل صرافی‌ها، بلندتر می‌شود.»، «تصور اینکه اگه دلار هنوز چهار تومن بود؛ بهترین لپ‌تاپ‌ها رو می‌شد با ۴ میلیون تومن خرید یا گوشی‌های پرچمدار حدود ۵ میلیون تومن بودن و ساعت‌های هوشمند کمتر از یک میلیون تومن؛ دیونوم می‌کنه»، «امیدوارم اینایی که دارن دلار می‌خورن باز اگر دو روز قیمتش اومد پایین نیان مثل بورس‌بازها یکن دولت باید دلار ما رو گرون بخره که ضرر نکنیم»، «ظاهراً موج بعدی رشد بازارها داره شروع میشه»، «قابل توجه اقتصاددانان محترم بورس یک ماهه که داره می‌ریزه و در همین مدت مسکن، خودرو و دلار وارد رالی پرسرعتی شده‌اند هنوز هم معتقدید بورس عامل تورم به‌شمار میاد؟»، «از چند ساعت پیش با افزایش قیمت دلار تقریباً اکثر فروشنده‌های لوازم دیجیتال، موبایل، شبکه اگر اجناس رو ناموجود نکرده باشند، ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومن به قیمت اضافه کردند... زبیا نیست؟»، «شمایی که داری دلار می‌خری می‌بری گوشه کمد خونه‌داری از

شهر وند مجازی	بگاه خدماتی
---------------	-------------

مربی داب‌گردانید

دیروز طرفداران تیم فوتبال استقلال یکصدا خواهان **ماجرا** استقلال یکصدای مربی ایتالیایی به تیم‌شان شدند. حتی توییت‌ها و نوشته‌هایی به زبان‌های انگلیسی و عربی در این باره نوشته می‌شد تا توجه جهانی به این خواسته استقلال‌ها جلب شود: «اینهمه هوادار می‌خواود که استراماچونی را برگردانید. کدام دست پشت پرده نمی‌خواد که برگرده؟»، «برای بالا رفتن اعتبار فوتبال آسیا استراماچونی را برگردانید»، «طرفداران استقلال هشتک استراماچونی را برگردانید را ترند کرده‌اند. آنها خواستار لغو منع به‌کارگیری مربی و بازیکنان خارجی هستند تا تیم‌شان از لحاظ فنی و مالی ضرر نکنند. به جای وضع قوانین صفر و صدی (منع استخدام مربی و بازیکن خارجی) بر مفاد قراردادشان نظارت کنید تا هم سطح فوتبال رشد کند هم بی کیفیت‌های داخلی پربارید گونه در بازار جولان ندهند، اگر واقعاً دغدغه جلوگیری از حیف و میل بیت المال را دارید اجازه دهید استراماچونی برگردد.»
«من پرسپولیسی‌ام ولی هیچ علاقه‌ای ندارم که استقلال مربی سطح بالا نداشته باشه. سرمربی به این کاردرستی برگرده استقلال، قطعا لیگ مزخرفمونو به لول میکشه بالا! رقیب قوی‌تر پرسپولیس رو هم قوی‌تر می‌کنه. حمایت میکنم از خواسته

		
---------------	--	---------------

		
---------------	--	---------------

تلاش برای توسعه انحصار صدا و سیما

تعیین کند، طراحان باید مشخص کنند که چه بی سامانی در تولید و انتشار محصولات خانگی وجود دارد که حالا باید آنها را سامان بدهند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مطابق با مقررات موجود طی مراحل مختلف با بررسی فیلمنامه‌ها و محصول نهایی مجوزهای لازم را صادر می‌کند. این فرآیند کاملاً روشن است و عمل می‌شود و سرو سامان دارد. یک نظم حقوقی برآن حاکم است. گاهی رسیدگی‌ها چنان است که صدای فیلمسازان را هم در می‌آورد . طراحان باید به این پرسش پاسخ دهند که کجای وضعیت حقوقی موجود دچار بی سامانی است که فقط با انتقال اختیارات از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به سازمان صدا و سیما سر و سامان پیدا می‌کند. فرض کنیم که جاهایی از وضع موجود دچار مشکلاتی است، چرا آن را در خود وزارت ارشاد درست نمی‌کنند و راه‌حل را فقط در انتقال کلی این وظایف به صدا و سیما می‌بینند. نوع نگاه طرح به این موضوع شبیه آن است که کسی به اتوبوسرانی داخل شهری ایراد داشته باشد و بعد برای حل مشکل بگوید اتوبوسرانی داخل شهری را به اتوبوسرانی بین شهری بسپارید. روح حاکم بر این طرح و بنیاد حقوقی آن حکایت از این دارد که مسأله اصلی نویسندگان طرح، سامان‌مندی یا بی سامانی وضعیت نمایش خانگی و تولیدات اینترنتی نیست. مشکل اصلی طرح این است که چرا این امور در انحصار سازمان صدا و سیما نیست. به بیان دیگر هدف اصلی این طرح ساماندهی محصولات نمایش خانگی و اینترنتی نیست، بلکه انتقال این وظایف از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به سازمان صدا و سیماست و توسعه انحصار این سازمان بر فعالیت‌های صوتی و تصویری است. این هدف با سیاست ضد انحصار که در کشور دنبال می‌شود در تعارض کامل است. ممکن است گفته شود به مجوز قانون اساسی نمایندگان حق دارند در کلیه امور مملکتی قانونگذاری کنند. سخن درستی است. اما این را هم باید در نظر داشت که این حق، مقید به اصولی بنیادین است. قانونگذاری باید منطبق با منافع عمومی باشد نه منافع حزبی. قانونگذاری باید منطبق با منطق و روش‌ها و اصول حقوقی باشد. جابه جاکردن مسئولیت‌ها از یک وزارتخانه به یک سازمان دیگر باید مبتنی بر مجموعه‌ای از دلایل و ضرورت‌ها باشد. بدون کشف و تحلیل و اعلام ضرورت‌ها قانون ناقص خواهد ماند و به جای آنکه در خدمت منافع عمومی قرار گیرد، به مسیر دیگری خواهد افتاد. مجلس از مظاهر مهم و اساسی حق حاکمیت ملی است و بنا به مقتضای اصل ۵۶ قانون اساسی یکی از نهاد‌های مجری حق حاکمیت ملت باید باشد. در ادامه همین اصل می‌خوانیم که «هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند و در خدمت منافع فردی و گروهی خاص قرارداد.»

یادداشت

به موجب این طرح «اصدور هرگونه مجوز و نظارت بر فرآیند تولید وپخش کلیه بر نامه‌های رادیویی و تلویزیونی از جمله ساختارهای مستند، مسابقات، انیمیشن، سریال، برنامه‌های گفت‌وگوموحر و ترکیبی برعهده سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد» ساده‌ترش این است که در صورت تصویب این طرح تولید وپخش تمامی تولیدات سینمای خانگی و اینترنتی تحت نظارت و مدیریت سازمان صدا و سیما درخواهد آمد. بر متن این طرح ایرادات متعددی وارد است. مثلاً اولین ایراد از عنوان طرح شروع می‌شود. عنوان طرح اصلاح قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این طرح در قانون وظایف و اهداف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وظیفه سازمان صدا و سیما را تعیین کرده است. این یک خطای فاحش است که بیانگر میزان دقت طرح و توجه آن به اصول حقوقی است. هر دستور باید در مقام خودش بیان شود. قانون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مقام بیان اختیارات و وظایف سازمان صدا و سیما نیست. اما فارغ از بقیه ایرادات حقوقی طرح به بنیاد حقوقی آن نظری بیفکنیم که اساساً چه ضرورتی موجب تنظیم و تقدیم این طرح شده است؟ از دیدگاه نویسندگان طرح چه نقد یا ایرادی به مقررات موجود نمایش خانگی وجود دارد که خواسته‌اند با چنین طرحی آن را جبران کنند؟ در مقدمه توجیهی طرح فقط به ذکر این جمله بسنده شده است که این طرح «به منظور ساماندهی حوزه انتشار محتوا…» تنظیم شده است. این عبارت اتقذر کلی است که هیچ معنا و مفهومی از آن قابل ادراک نیست. وقتی از کلمه ساماندهی استفاده می‌کنند، لابد به این معناست که الا آن حوزه تولید محتوا، از جمله نمایش خانگی که توسط وزارت ارشاد در سازمان سینمایی مدیریت می‌شود («بی سامان» است. سؤال دقیقاً اینجاست که این بی سامانی چیست؟ مقدمه توجیهی طرح هیچ پاسخی به این سؤال نمی‌دهد. وقتی که از نظر اصول قانون نگاری اولین قاعده این است که ضرورت‌ها و ایرادات شمرده شوند و قانون راه حل آنها را

شعر در شعر در شعر

آن روز که داشتم انقلاب گردی می‌کردم، رفیقم را دیدم. کلی از دیدن هم خوشحال شدیم. قدمی زدم و بعد می‌خواست کتاب بخرد. رفت توی کتابفروشی و «آیات منتخب از کلام الله مجید» را خرید و آمد بیرون. کتابی که بنیاد موقوفات دکتر افشار منتشر کرده با همراهی انتشارات سخن. چشمم کتاب را گرفت آیاتی با ترجمه بدیع‌الزمان فروزانفر.

بعد بود که من هم رفتم و کتاب را خریدم. کتابی که یک دریغ بزرگ است. دریغ از ترجمه‌ای است که فروزانفر از قرآن کرده و کم شده است. همین است که می‌گویم دریغ بزرگ. عنایت‌الله مجیدی، وقتی قرآن ترجمه فروزانفر را پیدا نکرده تصمیم می‌گیرد ترجمه‌هایی که بدیع‌الزمان جابه‌جا از قرآن داشته، جمع‌آوری کند. همین‌قدر از ترجمه هم یک غنیمت است که به دست ما رسیده. اینکه یک ترجمه کاملاً کم بشود آندوه دارد. از این ماجرا در ادبیات فارسی باز هم داریم. شرح کم شدن و پیدا شدن ترجمه (و آمجیدی در انتهای این کتاب منتخب آورده و خودش ماجرای است برآب چشم. ترجمه‌ای که محمدرضا شفیعی کدکنی از آن خاطره‌ای نقل کرده. همان وقتی که بدین فروزانفر می‌رود و از اهمیت یکی از ترجمه‌ها و تفسیر سورآبادی حرف می‌زند و با ترجمه‌های قدیم قرآن مقایسه می‌کند و بعد فروزانفر به شفیعی می‌گوید: ترجمه ما را ندیده‌ای. انگار این ندیدن سرنوشت این ترجمه بوده است. بعضی سرنوشت‌ها این‌طوری هستند. سرنوشت‌هایی نادیدنی. ناخواندنی و به قول آن شاعر همان پرآب چشم. اما هنوز هم می‌شود امید داشت که ترجمه پیدا شود. درست مثل کتاب شعر هوشنگ بادیه‌نشین با نام «ای تاریخ ما را به یاد داشته باش» که زمانی برای خواندن به بدالله رویایی می‌دهد و در خانه رویایی بیش از چهل سال کم می‌شود. بادیه‌نشین می‌میرد تا بالاخره رویایی این کتاب را پیدا می‌کند و چاپ می‌کند. اول بار بخش‌هایی از آن را در مجله نوشتا منتشر کرد. آن وقت‌ها توی نوشتا کار می‌کردم و نسخه کپی کتاب به دستم رسید. وقتی کتاب را می‌خواندم از شعر شگفت‌زده شده بودم. اینکه این شعر به این قدرت چطور می‌شود که شاعرش چاپ شدنش را نمی‌بیند. این کتاب نایاب است و بعد از یکبار چاپ شدن هرگز چاپ نشد. یا من از آن بی‌خبرم. اما همان روزها کتاب را خریدم. یکی از رفقا کتاب را گرفت. گفتم برای خودت، من یکی دیگر می‌خرم. نخریدم. نخریدم. آنقدر نخریدم که چاپ کتاب تمام شد و من آن کتاب را نخریدم. درست عین حالا که برای داشتن این منتخبات فروزانفر کتاب را خریدم تا بعدها حسرتش را نخورم و با این امید که بالاخره ترجمه اصلی پیدا شود روزی. منتخبات فروزانفر آن‌هایی است که چسته و گریخته برای جاهای مختلف ترجمه کرده است و آن ترجمه اصلی نیست. ترجمه‌ای که در اوج پختگی انجام داده، نیست اما وقتی این ترجمه را می‌خوانید شفافیت زبان فارسی را می‌توانید احساس کنید. زبانی که خود شعر است و وقتی استادی چون بدیع‌الزمان فروزانفر آن را انجام داده آن هم از قرآن، شعر در شعر در شعر است. فکر می‌کنم این کتاب را همین الان به یکی هدیه بدهم و برای خودم یک نسخه دیگر بگیرم. کتاب‌های خوب باید در جامعه منتشر شود.

		
عکس نوشت		
مجموعه مستند داستانی «ناگفته‌ها» درباره قصه‌های ناگفته عاشورا به تهیه‌کنندگی هادی خدادی و نویسندگی و کارگردانی مهدی زنگنه چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه هر هفته بعد از گفت‌وگوی ویژه خبری از شبکه دو سیما پخش می‌شود.		
این مجموعه سیزده قسمتی نگاهی تازه به زندگی اصحاب امام حسین(ع) دارد و در هر قسمت از این برنامه چند کارشناس تاریخی و مذهبی یکی از داستان‌های ناگفته عاشورا را روایت کرده و بخش‌هایی نیز در قالب بازسازی روایت قصه‌ها را پیش می‌برد.		

		
همیشه از جایی آغاز می‌شود که انتظارش را نداری. یک مرتبه به خودت می‌آبی و می‌بینی وسط خاطره‌ای افتاده‌ای که تمام روزهای گذشته خواسته‌ای فراموشش کنی.		
مرگ بازی		
پدرام رضایی زاده		
نشر چشمه		

		
---------------	--	---------------

		
---------------	--	---------------

سال ۱۲۸۶ شمسی در چنین روزی نخستین شماره از «نسیم شمال» به مدیریت سیدالشرف‌الدین حسینی در رشت منتشر شد. روزنامه‌ای تأثیرگذار که پس از انتشار در تهران به شهرت بیشتری رسید و اشعار منتشر شده در آن که طنزآمیز و انتقادی بودند به تصنیف‌های مورد علاقه مردم تبدیل می‌شد.

■ تولدها
عباس تجویدی:نوازنده صاحب نام ویلن سال ۱۳۲۰ در چنین روزی به دنیا آمد. عباس تجویدی از ۷ سالگی ساز سنتور را آموخت و از ۱۱ سالگی ویلن را نزد ابوالحسن صبا یاد گرفت. بعدها به تلویزیون ملی ایران وارد شد ومدیر گروه موسیقی کودک تلویزیون شد و پس از مدتی این سمت را در رادیو به دست آورد. تجویدی در سال‌ها فعالیتش با هنرمندان زیادی مانند حسین خواجه امیری، همایون خرم، اسدالله ملک، توح شبعبانخانی، عماد رام، حسن کسایی، جهانگیر ملک و احمد عبادی همکاری داشته و در این سال‌ها به آهنگسازی هم پرداخته است. او عضو بسیاری از ارکسترهای ایران بوده و در آنها نواخته است.

مسعود عرشاهی: نقاش و تندیس ساز ایرانی سال ۱۳۱۴ در چنین روزی متولد شد. مسعود عرشاهی از نوجوانی نقاشی را یاد گرفت و پس از آن به هنرستان تجسمی رفت. حضورش در کلاس‌های شکوه ریاضی که از نقاشان نوگرا بود تأثیر زیادی بر آثار و فعالیت‌های او داشت. او هم‌زمان با نقاشی، مجسمه‌سازی و معماری را هم یاد گرفت و به‌عنوان هنرمندی نوگرا معرفی شد. عرشاهی با تبحر در زمینه نقش برجسته کارهایی را در ساختمان‌های مهم شهر انجام داد که ماندگار شدند. مانند نقش برجسته‌های دیوارهای روستان طالقانی در بزرگراه شهید حقانی. او در کار همیشه تحت تأثیر دوران باستان بود و این خطوط و نقوش را با نوگرایی عرضه کرد و با آثارش جایزه نخست چهارمین بی‌ینال تهران، جایزه نخست نمایشگاه موداکو و جایزه نخست مسابقه مجسمه‌سازی تهران را به دست آورد. او سال گذشته درگذشت.

لئونولتسوی:نویسنده مشهور روس سال ۱۸۲۸ به دنیا آمد. لئو تولستوی پس از رها کردن دانشگاه و رشته حقوق و ثبت‌نام در ارتش اولین اثرش را به نام «کودکی» نوشت که در مجله

معاصر روسیه منتشر شد و مورد توجه قرار گرفت. او در ارتش نوشتن را به‌صورت حرفه‌ای ادامه داد. حضور در جنگ قفقاز سوزه رمان‌ها و داستان‌هایش را ساخت. از تولستوی آثار بسیاری مانند داستان‌های کوتاه، نمایشنامه و حتی داستان‌هایی برای کودکان به جا مانده است اما آنچه که تولستوی با آنها شناخته می‌شود رمان‌های «جنگ و صلح» و «آنا کارنینا» است. «رستاخیز»، «تریلویز کودکی، نوجوانی و جوانی»، «مرگ ایوان ایلیچ»، «کوبن تفسلی»، «سعادت زناشویی» و «طلل میان تهی» آثار دیگری است که از تولستوی منتشر شده است. اوسال ۱۹۱۰ درگذشت.

هیو گرانت: بازیگر انگلیسی امروز ۶۰ ساله می‌شود. هیو گرانت که با فیلم‌های رمانتیک کمدی شناخته می‌شود سال ۱۹۹۰ با بازی در فیلم «مرد بزرگ» چهره شد. «ماه تلخ»، «چهار عروسی و یک تشییع جنازه»، «ناتینگ هیل»، «خاطرات برجیت جونز» و «رویاهای آمریکایی» از مشهورترین فیلم‌های گرانت هستند. او برای فیلم «چهار عروسی و یک تشییع جنازه» برنده جایزه گلدن گلوب بهترین بازیگر مرد فیلم موزیکال و کمدی و برنده جایزه بنفنا شد. **ساروز تولد آدام سندلر**بازیگر آمریکایی، **رضایار انمش** بازیگر، **محمد لطفی** نمایشنامه‌نویس و کارگردان، **رابرت وایز** فیلمساز آمریکایی، **امیر حسین نهاج** داستان نویس، **علی حسینی** داستان نویس، **اسماعیل زرعی** داستان نویس، **مهستی محبی** داستان نویس، **پانته آ رحمانی** نقاش و مجسمه‌ساز و **میشل ویلیامز** بازیگر آمریکایی هم امروز اوست.

■ درگذشت‌ها
احمد حیدر بیگی: شاعر و نویسنده ایرانی سال ۱۳۸۶ در چنین روزی درگذشت. احمد حیدر بیگی متولد ۱۳۱۸ بود و با اینکه علاقه زیادی به ادبیات و هنر داشت به اصرار خانواده در آزمون دانشگاه افسری شرکت کرد و پذیرفت. شد. از سال ۱۳۵۹ به‌صورت جدی نوشتن شعر را آغاز و تلاش کرد به وزن‌های شعر فارسی نگاهی تازه داشته باشد. «همزاد» نخستین شعر او بود که سال ۱۳۶۹ در مجله آدینه آن زمان منتشر شد. حیدر بیگی نوشتن را ادامه داد و سه کتاب شعر «لاابیرنت»، «تنهاییات را به دوش من بگذار» و «یک شاخه شعر سرخ» را منتشر کرد که «لاابیرنت» بسیار مورد توجه قرار گرفت. او در اثری ابتداعی منشور جهانی حقوق کودک را به درخواست شورای کتاب کودک به‌صورت شعر درآورد که بسیار مورد توجه قرار گرفت. احمد حیدر بیگی عضو کانون نویسندگان ایران هم بود. **ولی‌الله خاکدان** طراح صحنه و **استفان مالا** ره شاعر فرانسوی هم در چنین روزی درگذشتند.

